

در سخن گفتن خطای جاهلان پیدا شود

در روز های اخیر، یکی از ملا های کور دل در افغانستان، گلُ دیگری را به آب داد و خودش را رسوای عام و خاص ساخت. یک فلم مستند (ویدیوکلپ)، حاوی گوشه یی از سخنرانی یکی از ملا های قشری افغانستان از طریق رسانه های الکترونیک به نشر رسید که بیننده و شنونده را یا سخت متعجب ساخت و یا نفرت همه گانی نسبت به سخنان بیهوده اش را برانگیخت. هرچند شاید بعضی از هم میهنان، کلپ مورد بحث را دیده و یا شنیده باشند؛ ولی باز هم به منظور روشن شدن بیشتر موضوع، (با پوزش خواهی از خواننده ی عزیز)، اظهارات ملای بیدانش ظاهراً افغانی را در اینجا به تکرار میگیریم:

ملا، در حالیکه صد ها نفر از نماز گزاران در مسجدی نشسته اند، چنین میگوید: حدیث است که یکی از روز ها، حضرت محمد (ص) برای رفع حاجت به گوشه یی رفت و بول کرد. بول آن حضرت بحدی معطر بود که شخصی را که از آنجا عبور میکرد بخود جذب نمود و شخص مذکور رفت و بول را خورد. سپس نزد محمد رفت و گفت یا محمد (ص) من بول ترا خوردم. محمد به وی گفت، وقتی بول من به شکم کسی برود، آن شخص هرگز شکم درد نمیشود."

این، تقریباً فشرده سخنان ملایی بود که با چنین بی حیایی و بیهوده گویی، سر آن دارد تا مردم ما را تحقیر و تمحیق کند. حال، سوال هایی که در این رابطه مطرح میشود اینها اند که:

آیا آنچه را که این ملای بی نزاکت برای نماز گزاران گفت، واقعاً حدیث حضرت محمد است یا جعل شده است؟ زیرا؛ از یکطرف هیچ انسان عاقل و بالغ و هشیار و بخصوص مسلمان واقعی، خودش را هرگز مجبور نمیداند تا بول کسی را بخورد، ولو که از آن حضرت باشد. از سوی دیگر، به اساس آثار و روایت ها، حضرت محمد (ص) بحیث انسان برگزیده، نه تنها صاحب اخلاق و شخصیت متعالی بود، بلکه چنان فهیم و با

نزاقت و با نظافت نیز بود که پیروان خودش را همیشه به سوی رستگاری و نظافت و اجتناب از خورد و نوش نا جایز منع مینمود.

سوال دیگر اینست که آیا هیچ موضوع مهم و ضروری دیگری در کشور ماتمزده ی ما وجود ندارد که این ملای نا فهم و بی مسولیت، چنین حرفهایی را بعنوان " حدیث " انتخاب نموده بخورد مردم میدهد؟

باز، معنا و مفهوم طرح چنین حرفها و سخنها در چنین برهه ی زمانی چیست و چرا آنرا بجای صد ها موضوع مهم ، ضروری و حیاتی دیگر، برای نماز گزاران مومن کشور ما بیان میدارند؟

آیا پیروان سایر ادیان، وقتی این سخنها را ، آنهم به این شکلی که یک ملای بی نزاقت و ازجان بیخبر میگوید، بشنوند، راجع به دین اسلام و پیروان آن چه فکر میکنند ؟
آیا بیان کننده ی این سخنها، واقعاً اعتقادات بی خدشه ی اسلامی دارد و یا روح شیطان در کالبد یک ملای مردم فریب تبارز کرده است ؟ آیا علما و روحانیون کشور که اندکترین حرف و حرکت رسانه یی را از فلتر دقیق فکری ، مذهبی و سلیقه یی خویش عبور میدهند، در این مورد اعتراضی داشته اند؟ و اگر نداشته اند، چرا ؟

آیا وزارت اطلاعات و فرهنگ که همه روزه برای رادیو ها و تلویزیونها هدایت و دستور خاص به اصطلاح اصلاحی و اسلامی صادر میکند، در قسمت چگونه گی ، راستی و نادرستی سخنان ملاحی مساجد هم مسولیتی دارد یا خیر ؟

باور کنید وقتی من این فلم مستند را دیده و حرفهای ملا را شنیدم، مات و مبهوت مانده و با خود گفتم ؛ خدای من! آیا ممکن است کسی در چنین عصر و زمان ، در یک جامعه ی انسانی و بحضور صد ها انسان عاقل و بالغ جرأت اظهار چنین سخنانی را بکند ؟ آیا ملای مذکور تصمیم ندارد با چنین اظهاراتی، معیار های اسلامی و انسانی را درهم ریزد؟

هرچه بگنند نمکش میزنند وای به وقتی که بگنند نمک

باز، وقتی در اطراف مصیبت ها ، عقب مانی ها، وحشت فزایی و ستمگریهای سالهای پسین در جامعه ی افغانی خویش مینگرم ، وقتی جشن حاکمیت جهل و نا بسامانی بر روی ویرانه های حزن انگیز سر زمین را نظاره میکنم ، زمانیکه می بینم از مدتها ست جز تاریکی و ظلمت در این سر زمین ، چیز دیگری سراغ نمیشود و بالاخره ، وقتی اسارت و شقاوت ناشی از ستمگری و اشغالگری و جنون زده گی را می نگرم ، با خود میگویم ، بلی ، بمیدان آمدن و بر منبر شدن چنین ملا های درون قیر هم حاصل ناباب و نا هنجار همین وضع و حال

دردناک جامعه ی ماست که از چندین سال بدینسو تحمیل گردیده است . شاعر در مورد چنین سخنگویان از خود راضی و جهالت پرور گفت :
در سخن گفتن خطای جاهلان پیدا شود تیر کج چون از کمان بیرون رود رسوا شود.

روی همین دلایل و براهین است که انسانهای روشن ضمیر، روشنفکر و روشن اندیش همیشه طرفدار علم و دانش و ترقی و پیشرفت جامعه ی انسانی میباشند. اینها اعتقاد دارند که وقتی چلچراغ علم و فهم و دانایی در جامعه پرتو افکند؛ دیگر افراد و عناصر عقب مانده ی جاهل ، مردم فریب و دغل باز شانس فعالیت را از دست میدهند و دران صورت کسی نمیتواند هموعانش را با گفتار و کردار نا درست و نا روا به کجراهه بکشاند. همین تضاد میان روشنی و تاریکی یا میان علم و جهل است که اکثریت مردم افغانستان از برگشت مصیبت بار گروه طالبان به امارت جاهلانه ی شان شدیداً در هراس افتیده و ازان نفرت دارند و روی همین دلایل است که مردم ما و روشنفکران میهن دوست و ترقیخواه، ازدولت افغانستان ، جامعه ی جهانی و بخصوص از ایالات متحده ی امریکا بخاطر تلاش شان درجهت برگردانیدن این گروه نادان به افغانستان، جداً انتقاد میکنند.

اظهارات توهین آمیز این ملا در افغانستان و آلوده شدن فضای فکری و اجتماعی کشور با غبار جهل و تاریک اندیشی بی سابقه و صد ها درد بیدرمان اجتماعی و مذهبی دیگر، عمدتاً ناشی از حاکمیت گروه های تیره دل مذهبی و بخصوص، گروه متحجر و قرون وسطایی طالبان در سالهای پسین افغانستان است ، ورنه مردم با فراست میهن عزیز ما درطول سالها و سده ها، هم اعتقادات اسلامی شان را داشته اند و هم از مزایای نظافت، نزاکت ، پاکی و طهارت بر خورد دار بوده اند. باید این واقعیت را نیز پذیرفت که در دامن زدن سیاهی ها ی فکری در جامعه ی افغانی، منابع استخباراتی بیگانه گان دست قوی دارند ، زیرا قدرتهای بیگانه هرگز نمیخواهند شاهد موجودیت یک افغانستان مترقی و مردم آگاه و متمدن در این سر زمین باشند.

پس ، بیایید یکبار دیگر بگوئیم تابناک باد نور علم و فضل در جامعه ی انسانی ما و زدوده باد گرد جهل و بیسوادی از دامن زمان و اهل زمانه !